

نظام آموزشی کشور تاجیکستان

مترجم: حمید طالب

چکیده:

WORLD EDUCATION ENCYCLOPEDIA یا دانشنامه آموزش جهان از جمله معتبر ترین دانشنامه های تبیین نظام های آموزشی کشورها می باشد که توسط دو انتشارات معتبر **THOMSON LEARNING** و **GALE GROUP** تهیه شده است. به لحاظ اعتبار این دانشنامه در این مقاله به عنوان نمونه نظام آموزش کشور تاجیکستان از این مجموعه ترجمه گردیده است. امید آن که مورد استفاده مراکز علمی آموزشی به ویژه جامعه المصطفی العالمیه قرار گیرد .

اطلاعات کلی

جمهوری تاجیکستان	نام رسمی کشور
شرق و شمال آسیا	منطقه
۶۴۴۰۷۳۲	جمعیت
تاجیک، روسی	زبان(ها)
۹۸ درصد	نرخ باسوادی
۳۴۲۳	تعداد مدارس ابتدایی
۹ سال	تحصیل اجباری
۲/۲ درصد	هزینه عمومی در آموزش
۶۷۲۶	دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های ملی
ابتدایی: ۶۳۸۶۷۴ متوسطه: ۷۲۴۰۵۶ عالی: ۱۰۸۲۰۳	ثبت نام آموزشی
ابتدایی: ۹۵ درصد متوسطه: ۷۸ درصد عالی: ۲۱ درصد ابتدایی: ۲۷۱۷۲ ابتدایی: ۱:۲۴ راهنمایی: ۱:۱۶	نرخ ثبت نام تعداد معلمان نسبت معلم به دانش آموز
ابتدایی: ۹۴ درصد متوسطه: ۷۴ درصد عالی: ۱۳ درصد	نرخ ثبت نام زنان

تاریخ و پیشینه

تاجیکستان که در لغت به معنای سرزمین تاجیکهاست از ریشه‌های فرهنگی کهنی برخوردار است. مردمی که امروزه به عنوان تاجیک شناخته می‌شوند گویشوران فارسی آسیای میانه‌اند که برخی از اجداد آنها در آغاز تاریخ در آسیای مرکزی ساکن شدند. تاجیکستان با وجود میراث عظیم مردمان بومی‌اش تنها با حکم شوروی در سال ۱۹۲۴ به عنوان یک کشور مستقل مطرح شد.

تاجیکستان از شرق با چین، از شمال با قرقیزستان، از غرب با ازبکستان و در پیش‌آمدگی جنوبی با افغانستان هم‌مرز است. جمعیت کشور در سال ۱۹۹۹، شش میلیون نفر برآورد شد. دو سوم مردم آن قومیت تاجیکی دارند، حدود یک‌چهارم ازبک و بقیه از سایر گروه‌ها هستند. روس‌ها که در دهه گذشته به نیم میلیون نفر می‌رسیدند در خلال جنگ‌های غیرنظامی اخیر از کشور گریخته‌اند.

از پنج کشور آسیای مرکزی که در سال ۱۹۹۱ از جمهوری شوروی اعلام استقلال کردند، تاجیکستان کوچک‌ترین و از لحاظ جمعیت، سومین کشور است. این جمهوری با وجود محصور شدن در خشکی و مناطق کوهستانی، از برخی منابع طبیعی باارزش همچون نیروی آب و معادن برخوردار است، اما زمین‌های قابل کشت اندکند، پایه‌های اقتصادی محدود بوده، سازمان‌های ارتباطی و حمل و نقل گسترش اندکی یافته‌اند. در نزاع‌های سیاسی قرن بیستم بر سر آن که آیا ترکان ساکنان اولیه آسیای مرکزی بوده‌اند یا ایرانیان، منشأ نام تاجیک مورد منازعه قرار گرفت. تا قرن بیستم، مردمان منطقه دو نوع تمایز برای تعیین هویت خود به کار می‌بردند: نحوه زندگی (چادرنشینی یا مقیم در یک مکان) و محل اقامت.

بیشترین قسمت آنچه امروزه تاجیکستان خوانده می‌شود و بلکه تمام آن، بخشی از امپراتوری هخامنشی^۱ پارس باستان بوده که در قرن چهارم پیش از میلاد تحت حکمرانی اسکندر کبیر قرار گرفت و پس از آن بخشی از پادشاهی یونانی - باختری^۲ شد. بخش شمالی آنچه تاجیکستان کنونی است، بخشی از ماوراءالنهر [سرزمین باستانی سغدی یا سغدی]^۳ بود.

^۱ Achaemenid

^۲ Greco-Bactrian

^۳ Soghdiana

سغدی‌ها به عنوان یک واسطه در جاده ابریشم میان چین و بازارهای غرب و جنوب، مردمی را که در این مسیرهای تجاری بودند علاوه بر الفبا و دانش خود در ادیانی چون بودیسم، مسیحیت نسطوری^۱، آیین زرتشت و مانویت سهیم کردند. برتری دینی عرب‌های مسلمان در اوایل قرن هشتم آغاز شد. در گسترش هویت ملی تاجیکی مدرن، مهم‌ترین منطقه آسیای مرکزی پس از غلبه اسلام، قلمرو شاهزادگی فارسی زبان سامانی (۹۹۹-۸۷۵) بود. سامانی‌ها در سراسر منطقه‌شان از احیای زبان فارسی نوشتاری حمایت کردند. حمایت ادبی سامانی‌ها در حفظ فرهنگ ایران پیش از اسلام نقش مهمی را ایفا کرد. در خلال قرن اول پس از میلاد، چینی‌ها خواسته یا ناخواسته درگیر این منطقه شدند. در دورانی طولانی تا قرن نوزدهم، چین بر ادعایش بر منطقه پامیر در جنوب شرق تاجیکستان کنونی پافشاری کرد. از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، چین گه‌گاه ادعایش بر بخشی از این منطقه را تکرار کرده است.

نفوذ ترکیه در حوزه فرهنگ فارسی از آغاز قرن نهم در آسیای مرکزی افزایش یافت. هجوم حتی تعداد بیشتری از مردم ترک در قرن یازدهم آغاز شد. مردمان ترک که به سمت جنوب آسیای مرکزی حرکت کردند و آنچه را بعدها تبدیل به تاجیکستان شد تشکیل دادند تا درجات زیادی تحت تأثیر فرهنگ فارسی بودند. طی نسل‌ها برخی ترک‌های تازه‌کیش با اقامت در مکانی ثابت، شیوه زندگی کوچ‌نشینی شبانی را تغییر دادند که باعث شد در تماس نزدیک با گویشوران فارسی زبان مقیم در یک مکان قرار گیرند.

تا سال ۱۹۹۱ تاجیکستان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی پیشین بود. در دوران شوروی، سرمایه‌گذاری‌ها در ساختارهای اجتماعی منجر به دستیابی تاجیکستان به سطح بالایی از پیشرفت در نظام آموزشی شد. تا آغاز دهه ۱۹۹۰ باسوادی در میان جمعیت بزرگسال (۹۹ درصد نسبت به سرشماری سال ۱۹۸۹) و نیروی کار تحصیلکرده

^۱ Netorian Christianity این باور که مسیح دو موجودیت مجزا داشت، یکی الهی و دیگری انسانی که در سال ۴۳۱ میلادی عقیده‌ای ارتدادی اعلام شد. (مترجم)

افزایش یافت؛ ۷۷ درصد مردم تحصیلات دبیرستانی و بالاتر داشتند. مؤسسات آموزشی در تمام سطوح برای بیشتر جمعیت در دسترس بودند. تاجیکستان به دنبال استقلال در سال ۱۹۹۱، با یک سری بحران‌ها مواجه شد. جدا شدن از اتحاد شوروی به فروپاشی سریع اقتصادی انجامید. قرار نگرفتن در حوزه روبل روسی باعث بحران در صندوق پول شد که با تأخیر روسیه در پرداخت‌های کالاهای نخی به علت بدهی تاجیکستان به روسیه، تشدید شد. یک جنگ غیرنظامی طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ به خسارت‌های قابل ملاحظه جانی و مالی منجر شد. نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر را بی‌خانمان و تحصیلات کودکان را با مشکل مواجه ساخت. خسارت عمومی نزدیک به ۷ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است. تا سال ۲۰۰۰ تاجیکستان جزء ۲۰ کشور فقیر جهان رتبه‌بندی می‌شد. حدود ۸۵ درصد مردم تاجیک با میانگین درآمد سالانه ۱۳۰ دلار آمریکا زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

پایه‌های حقوقی و قانون اساسی

حکومت بلافاصله بعد از جنگ، قانونی را تصویب کرد که تحصیلات را حقی برای همه می‌دانست. البته این حقوق نیازمند اجرا بودند. بر اساس قانون اساسی (ماده ۴۱) و قانون «پیرامون تحصیلات» (ماده ۱۲) تمام کودکان باید ۹ سال تحصیلی از تحصیلات پایه را طی کنند. دولت، هم‌چنین، ورود رایگان به مؤسسات آموزشی دولتی، تحصیلات دبیرستان عمومی (۱۱ پایه)، تحصیلات دبیرستانی فنی و حرفه‌ای (بر اساس توانایی‌ها و بر یک پایه رقابتی)، دبیرستان‌های تخصصی و تحصیلات عالی را تضمین کرده است. نظام آموزشی یکپارچه پیشین با صورت‌های چند بخشی، چند وجهی و دیگر صورتهای آموزشی و با مفهوم مدارس ملی که از سوی دولت در سیزدهم ژوئن ۱۹۹۴ (تحصیلات عالی) تصویب شد، جایگزین گردید. براساس قانون جمهوری تاجیکستان «پیرامون تحصیلات» (۲۷ دسامبر ۱۹۹۳) هدف تحصیلات عبارت است از: تأمین نیروی انسانی در تمام سطوح؛ گسترش برآورده‌سازی همه توانایی‌ها؛ بقا، حیات و کیفیت زندگی و کار؛ بهبود اقتصاد، فرهنگ و میراث معنوی برای ادامه پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی جمهوری تاجیکستان. در ژوئن سال ۱۹۹۴، مفهوم مدارس ملی (دسترسى مقدماتی) به تصویب رسید.

قبول پیمان‌نامه سازمان ملل در مورد حقوق کودکان توسط دولت تاجیکستان در سال ۱۹۹۳ تعهداتی را مطابق با ماده ۴ این سند، ایجاد می‌کند. در مورد درک حقوق کودکان که در این پیمان‌نامه منظور شده است تعدادی برنامه ایجاد شد: «برنامه

گسترش جمعیت جمهوری تاجیکستان تا سال ۲۰۰۵»، «برنامه بهبود نقش زن و خانواده، حمایت از مادران و فرزندان تا سال ۲۰۰۵» و دیگر برنامه‌ها.

جمهوری تاجیکستان در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۳ پیمان نابودی تمامی صورت‌های تبعیض علیه زنان را به تصویب رساند. همچنین حقوق مساوی زنان و مردان در بخش کار (از ۱۱ ژوئن ۱۹۹۷)، بخش جزایی (از اول سپتامبر ۱۹۹۸) و بخش خانواده و ازدواج بازتاب یافته است. به دنبال آموزش‌های کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، حکومت کشور یک کمیته تشکیل داد که یکی از نقش‌های آن، حذف نابرابری‌های جنسیتی در کشور بود. در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۸، تصمیم دولت بر «شرح برنامه‌های ملی از فعالیت‌های جمهوری تاجیکستان بر افزایش سطح و نقش زنان از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵» تصویب شد. در ۴ ژوئن ۱۹۹۷ دولت بند شماره ۲۶۶ «در مورد تعیین استانداردهای دولتی در آموزش دبیرستانی عمومی جمهوری تاجیکستان» را پذیرفت که در آن، استانداردهای دولتی آموزش دبیرستان‌های عمومی تحت قانون جمهوری تاجیکستان در «پیرامون آموزش» بنا نهاده شده‌اند. همچنین قانون اساسی و قوانین جمهوری تاجیکستان حق بخش‌های مذهبی در تأسیس تسهیلات آموزشی مستقل را با این قید که آموزش ارائه شده از سوی آنها با استانداردهای پذیرفته شده مطابق باشد به رسمیت شناخته است و برخی مدرسه‌های اسلامی در سال‌های اخیر باز تأسیس شده‌اند.

نظام آموزشی

آموزش تاجیکستان چند قومیتی و زبان آموزش در بسیاری از مدارس تاجیکی بوده است که ازبک‌ها، روس‌ها، قرقیزها و ترک‌ها آن را به کار می‌گیرند. جمعیت جوان‌تر (پایین تر از ۱۷ ساله‌ها) بیش از ۴۰ درصد جمعیت تاجیک را تشکیل می‌دهند. نظام آموزشی تاجیکی از چهار سطح تشکیل می‌شود: آموزش پیش‌دبستانی، دبیرستان - که همچنین شامل سطوح ابتدایی ۱ تا ۹ می‌شود- دبیرستان‌های تخصصی و فنی‌حرفه‌ای و تحصیلات عالی دانشگاهی. تحصیلات پیش‌دبستانی که ممکن است حتی از سه سالگی آغاز شود تنها با هدف آماده‌سازی نسبی کودکان برای ورود به نظام آموزشی رسمی‌تر صورت گرفته، در واقع بیشتر بخش‌های مراقبت‌های روزانه را شامل می‌شود.

قبل از استقلال، زبان ملی آموزش، روسی بود و تقریباً سواد به معنای سواد روسی محسوب می‌شد. در اوایل سال ۲۰۰۰، آموزش در سراسر کشور حداقل به صورت اسمی به پنج زبان ارائه می‌شد: تاجیکی، روسی، ازبک، قرقیزی و ترکی. البته در عمل فاصله مدرسی که زبان مورد ترجیح خانواده‌ای را ارائه می‌کنند (غیر از تاجیکی)، ممکن است مانع حضور کودکان شود.

در تاجیکستان به دلیل درگیری‌های غیرنظامی بی‌رحمانه‌ای که حدود ۵۵ هزار کودک بی‌سرپرست شدند و خسارت‌های فراوانی وارد شد، آمار دقیق کودکانی که به مدرسه نمی‌رفته و نمی‌روند مشخص نیست. در خلال جنگ، دست کم ۱۲۶ مدرسه به طور کامل نابود شد و ۱۳۰ مدرسه دیگر نیاز به تعمیر دارند. در سالهای اخیر اختلافات جنسیتی در آموزش نیز گسترش یافته است. بنابر گزارش‌های EFA، نسبت پسران به دختران از ۵۲ به ۴۸ در کلاس اول به ۶۲ به ۳۸ در کلاس یازدهم می‌رسد. نسبت پسران به دختران در دانشگاه ۷۴٪ به ۲۶٪ است.

به منظور اجرای تصمیم هیئت وزارت آموزش «در مورد دختران روستاهای دورافتاده»، برای تضمین حضور مدارس دورافتاده در مؤسسات آموزش عالی در تخصص‌های آموزش و پرورش طرحی تعبیه شده است. همچنین جهت دریافت سهمیه جوانان (از جمله دختران) مناطق کوهستانی دورافتاده در شاخه‌های آموزشی تمام وقت و مرتبط با آموزش عالی، بدون آزمون ورودی و تحت بودجه دولتی در سال ۱۹۹۷ طرحی موجود است که خصوصاً برای رشته‌های وابسته به آموزش و پرورش، فنی، کشاورزی، پزشکی، اقتصادی و تخصص‌های حقوقی و همچنین روزنامه‌نگاری ایجاد گردیده است. از مجموع ۴۹۱ مکان تخصیص یافته، ۲۶۹ مکان برای دختران است. در سال‌های اخیر مؤسسات جدید آموزشی دولتی و غیردولتی ایجاد شده‌اند. همچنین ترکیب‌های آموزشی مختلفی وجود دارد: کودکستان - مدرسه، مدرسه - دانشگاه، دانشگاه‌های فنی و غیره.

در دوران گذار، وجهه تحصیلات رو به کاهش نهاد و کسب درآمد ضروری که نیازی به تحصیلات نداشت جایگزین آن شد. جوانان وقتی با مسأله «ادامه تحصیل یا کار» مواجه می‌شوند دومی را انتخاب می‌کنند. این امر هم برای جوانان در مورد توانایی‌های مشارکتی آینده آنها و هم برای جامعه در مورد مجموع سرمایه انسانی مضامینی به همراه دارد.

در این گذار، معنای تحصیلات رایگان نیز تغییر کرده است. تورم بالا و کاهش سرمایه‌های دولتی واقعی منجر به افزایش تعداد تشکیلات آموزشی با بودجه شخصی

شده است. دستیابی به تحصیلات خوب بیشتر با پول تعیین می‌شود تا توانایی. این امر می‌تواند به لایه‌بندی اجتماعی و محروم‌سازی کودکان خانواده‌های فقیر را بینجامد. اگرچه میزان نام‌نویسی همچنان بالاست لیکن این تنها بخشی از ماجراست، چراکه برخی از کودکانی که نام‌نویسی کرده‌اند نمی‌توانند در مدرسه حضور یابند و در عین حال، امور مقرر خانه یا کاسبی در خیابان‌ها را تنظیم کنند. بر اساس داده‌های بانک جهانی از هر هشت کودک یک نفر هیچ‌گونه آموزش رسمی واقعی را دریافت نمی‌کند. آمار ترک تحصیل از مدارس ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۹۹۷ حدود ۳۷۹۰۰ نفر برآورد شد. از زمانی که هزینه‌های مرتبط با تحصیلات افزایش یافته است احتمال دارد بر این میزان افزوده شود. بسیاری از خانواده‌های فقیر قادر به خرید دفتر، لباس فرم، کتاب و یا تأمین مخارج حمل و نقل نیستند. حتی نیاز است که کودکان با کار در خانه یا صنایع غیررسمی مکملی برای درآمد خانواده باشند. تضمین ادامه دستیابی به تحصیلات ابتدایی و دبیرستان برای همه از اولویت‌های دولت تاجیکستان باقی مانده است. برای غلبه بر اختلافات اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش جهت یافتن راه‌های جدید تأمین بودجه، کارآموزی و حفظ پرسنل، بهبود کیفیت آموزش و جذب کودکان به مدارس برای افزایش نام‌نویسی‌ها و حضور آموزشی، اقداماتی انجام داده است. آکادمی آموزش در سال ۱۹۹۶ برای کاهش بی‌عدالتی تأسیس شد.

خلاقیت دانشمندان، هنرمندان و معلمان تاجیکی مورد تصدیق و اذعان بین‌المللی است. در سال ۱۹۹۸ بوری کریم اف^۱ متخصص UN ESCAP جایزه «مرد سال» را در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ و «مدال افتخار» مرکز زندگی‌نامه کمبریج^۲ انگلستان را از آن خود کرد. رئیس دانشگاه ملی پزشکی تاجیک، میرزا همدم رفیع^۳ برای مشارکت در همکاری‌های بهداشتی تاجیکستان برنده جایزه مدال طلای آلبرت شوایزر^۴ گردید. در میان ۲۰۰ فرد برجسته، پروفیسور پزشکی تاجیک تنها نماینده منطقه آسیای مرکزی

^۱ Buri Karimov

^۲ Biographic Centre in Cambridge

^۳ Mirzohamdram Rafiev

^۴ Albert Sweitzer

بود. هنرمند مردمی، سهراب قربان اف^۱ به عنوان قرقیزستان^۲ آکادمی هنر را مفتخر گردید.

وزارت آموزش و پرورش برای کاهش بی‌سوادی در میان جمعیت بزرگسال و به ویژه کاهش نابرابری‌های سطح سواد مردان و زنان اهمیت بسیاری قایل است. با وجود ویرانی‌های ناشی از جنگ و بودجه‌های محدود موجود برای تمام اهداف، تعداد مدارس از سال ۱۹۹۰ به‌طور ثابت، ولی نه چندان زیاد، افزایش یافته و از ۳۱۱۲ مدرسه در سال ۱۹۹۰ به ۳۴۰۰ مدرسه در سال ۱۹۹۴ رسیده است. البته تعداد دانش‌آموزانی که واقعاً نام‌نویسی کرده‌اند نوسانی را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بازتاب مستقیم از هم‌گسختگی ناشی از جنگ‌های غیرنظامی است. تا آغاز سال تحصیلی ۱۹۹۵، کل نام‌نویسی‌ها تقریباً به سطوح پیش از جنگ بازگشت، اما هم‌چنان ۸۱/۷ درصد گروه سنی واجد شرایط را تشکیل می‌داد.

آموزش دبستانی و پیش‌دبستانی

در دوره سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۸ تعداد کودکان تاجیکستان‌ها به میزان ۲۰۰ تا ۵۶۲ عدد کاهش یافت. در همان دوران، تعداد کودکان ثبت‌نام شده به کمتر از نصف و از ۱۰۹ هزار به ۵۳ هزار نفر رسید.

درصد کودکان ۳ تا ۶ سال که در کودکان‌ها نام‌نویسی کرده‌اند به‌طور ثابت از سال ۱۹۸۹ کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۶ تنها ۷/۷ درصد از این گروه سنی ثبت‌نام کرده بودند. به‌طور فزاینده مشاهده می‌شد که خانواده‌های تاجیکی به دلیل فقدان سیستم گرمایشی، پرسنل و وجود هزینه‌های رو به افزایش غذا در مدارس عمومی، ترجیح می‌دهند کودکانشان را در خانه آموزش دهند. به علاوه، ثبت‌نام مدارس ابتدایی از ۱۶۴ هزار نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱۳۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت، اما در سال ۱۹۹۸ تا ۱۷۷ هزار نفر افزایش یافت. ترک تحصیل کودکان ۷ تا ۱۷ ساله در حدود ۲۵ درصد برآورد شده است.

برای آموزش ابتدایی در تاجیکستان برخی حمایت‌های بین‌المللی وجود دارد. در شهر دوشنبه و حومه آن، CARE از ۶۰ هزار کودک مدرسه‌ای در پایه اول تا چهارم حمایت می‌کند. بحران اقتصادی، نظام مدارس تاجیکستان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و پروژه حمایت‌های آموزشی، غذای روزانه را برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی تأمین

^۱ Suhrob Kurbanov
^۲ Kyrgyzstan

کمک‌های ارتباط خانواده- معلم را بازاحیا می‌کند، حقوق ماهیانه معلمان را که تا نزدیک به ۸ دلار امریکا سقوط کرده بود تکمیل می‌کند، با همکاری اجتماعات محلی از لحاظ فیزیکی ۴۰ مدرسه را ترمیم کرده‌اند، زغال مدارس را در زمستان تامین می‌کنند و با کمک یونیسف ۶۰ هزار سری از کتاب‌های پایه را خریداری می‌کنند. سرمایه پروژه با نقد نمودن ۲۵ هزار تن از گندم‌های دولت امریکا تأمین می‌شود.

از سوی دولت تأکید ویژه‌ای بر آموزش پیش‌دبستانی وجود دارد، چراکه گسترش این شاخه آموزشی به طور نظام‌مند نیاز موجود جامعه را برآورده نمی‌سازد. در سال ۱۹۹۴ حدود ۱۴۱۴۰۰ کودک در مؤسسات پیش‌دبستانی حضور داشتند، درحالی‌که در سال ۱۹۹۸ تنها ۴۴۲۰۰ نفر ثبت نام کردند (تنها ۴/۳ درصد از کودکان سن پیش‌دبستانی). «مفهوم آموزش پیش‌دبستانی» گسترش یافت و از سوی وزارت آموزش پذیرفته شد. سپس با تصمیم دولت در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۵ قانونی در مورد آموزش پیش‌دبستانی تصویب شد.

آموزش دوره متوسطه

در سال ۱۹۹۸ حدود ۱۵۵۶ جوان از میان ۲۲۹۴ فرد ۷ تا ۲۳ سال (۷۸/۸ درصد) در برخی از شاخه‌های آموزشی نام‌نویسی کردند. نرخ نام‌نویسی مدارس ابتدایی و دبیرستان برای تمامی افراد سنین ۷ تا ۱۶ سال در سطح ۹۴ درصد باقی ماند. ساختار به ارث رسیده از شوروی در مورد برنامه درسی مدارس خصوصاً در مورد زبان و ریاضیات در مدارس سنتی بسیار قوی است. البته این ساختار به منظور بر آورده ساختن نیازهای جدید در اقتصاد بازار و توسعه مناسب در حال تغییر است. در دوران گذشته نظام دبیرستان و دوره سوم، متخصصانی بسیار آموزش‌دیده را تربیت می‌کردند که تعداد آنها بر پایه اشتیاق و بی‌میلی تعیین می‌شد و نه بر اساس تقاضاها.

آموزش‌های تخصصی دبیرستانی و هنرستانی. هر دو نوع آموزش‌های تخصصی دبیرستانی و هنرستان عمدتاً برای تربیت دانش‌آموزان جهت بر آورده ساختن نیازهای مشخصی در بخش‌های اقتصادی مختلف طراحی شده‌اند. در دبیرستان‌های تخصصی، گرایش بر آن است که تا حدی تمرکز تخصصی و آکادمیک بیشتری بر آموزش‌های خود

داشته باشند، در حالی که هنرستان‌ها به آموزش دانش‌آموزان برای داشتن شغل‌های تخصصی در تشکیلات تخصصی گرایش دارند.

در سال ۱۹۹۴ آموزش‌های دبیرستانی تخصصی در ۵۰ مؤسسه با ۳۴۹۰۰ دانش‌آموز ارائه می‌شد، در حالی که ۷۵ هنرستان دیگر ۳۲۵۰۰ دانش‌آموز را تأمین می‌کردند. برخلاف الگوی ثبت‌نام در نظام آموزش عمومی، از سال ۱۹۹۰ نام‌نویسی در بخش‌های نظام آموزشی بدون صعود ناگهانی در نتیجه ثبات موقعیت سیاسی، شاهد کاهش منظم بود.

مدارس دارای آموزش تخصصی در پزشکی و پرستاری، تربیت معلم و تخصص‌های صنعتی بیش از نیمی از تعداد مدارس و ثبت‌نام‌های دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند. دانش‌آموزان دختر بیشتر در مدارس آموزش پزشکی و پرستاری و تربیت‌معلم حضور می‌یابند که به ترتیب ۷۹/۷ درصد و ۴۸ درصد نام‌نویسی‌ها را تشکیل می‌دهند. به طور کلی، دانش‌آموزان دختر ۴۳/۴ درصد کل نام‌نویسی‌ها در دبیرستان‌های تخصصی در سال ۱۹۹۴ و ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۰ را تشکیل می‌دادند. البته ثبت نام کلی در این سطح از آموزش از سال ۱۹۹۰ به میزان ۱۵ درصد و تعداد فارغ‌التحصیلان تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. هنرستان‌ها آموزش‌ها را برای ۱۵۶ فرصت شغلی در تمام بخش‌های اقتصاد ارائه می‌کنند که مؤسسه صنعتی وابسته به آموزش و پرورش که معلمانی را برای هنرستان‌ها تربیت می‌کند نیز شامل می‌شود. چهل از هنرستان‌ها (۵۳ درصد) آموزش‌هایی را در مشاغل بخش کشاورزی ارائه می‌کنند و تعداد دانش‌آموزان روستایی با نسبت ۲ به ۱ بیشتر از دانش‌آموزان شهری است. ۴۵ هنرستان به دلیل جایگاهشان در مناطق روستایی جنوب و جنوب غرب تخریب شدند و تجهیزات و اثاثیه آنها در جنگ‌های غیرنظامی ربوده شده که میزان خسارت طبق ارزش سال ۱۹۹۳، ۱۴/۴ بیلیون RR (۱۴/۷ میلیون دلار آمریکا) بود.

دانش‌آموزان هنرستان‌ها غذای رایگان، محل سکونت، یونیفورم و نیمی از حقوق ماهیانه معمول شغلی را که در آن آموزش می‌بینند، دریافت می‌کنند. البته اینان در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ متحمل همان تقلیل و کمبودی شدند که سایر دانش‌آموزان به آن دچار بودند؛ هیچ لباسی دریافت نمی‌کردند و تنها پرداخت نامنظمی داشتند. از آنجا که بیشتر تأسیسات کشور و خصوصاً طرح‌های صنعتی کاهش تولید داشتند و کارگران را اخراج می‌کردند، آینده دانش‌آموزان هنرستان‌ها حتی تیره‌تر از دیگران به نظر می‌رسید. در نتیجه این مدارس نرخ سایش بیشتری را هم برای دانش‌آموزان (۲۵ درصد) و هم برای فارغ‌التحصیلان (۳۳ درصد) متحمل شدند. کسانی که فارغ‌التحصیل

شدند به وفور جزء گروه‌های بی‌کار گردیدند و حتی درآمد نسبتاً کم و مزایایی را که به سبب جایگاه خود به‌عنوان دانش‌آموز، دریافت می‌کردند، از دست دادند.

دبیرستان هسته نظام آموزشی تاجیک است که شامل تمام دوره‌های اجباری آموزش است. تا قبل از استقلال هشت سال تحصیل اجباری بود. این تعداد در سال ۱۹۹۳ به ۹ سال گسترش یافت. نظام دبیرستان خود به ۳ سطح یا فاز تحصیلی تقسیم می‌شود که دوره‌های ابتدایی ۱ تا ۴، دوره‌های تکمیلی دبیرستان ۵ تا ۹ و دوره‌های بالاتر دبیرستان ۱۰ و ۱۱ را شامل می‌شود. کودکان در ۶ یا ۷ سالگی وارد کلاس اول و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی از کلاس ۱۱ فارغ‌التحصیل می‌شوند.

ورود به فاز سوم دوره دبیرستان (دبیرستان تکمیلی) و همچنین پذیرش در آموزش‌های تخصصی دبیرستان تنها در اختیار کسانی است که آزمون ورودی پایه هشتم را طی کنند. همچنین تعداد دانش‌آموزان پذیرفته شده در هر یک از دبیرستان‌های تخصصی، همانند ثبت‌نام در سطح دانشگاه در گذشته با پیش‌بینی نیاز استخدام‌کنندگان نیز محدود شده است. دبیرستان‌های تخصصی آموزش‌هایی در تدریس، علوم بهداشت و طیف وسیعی از امور صنعتی و تکنیکی و تخصص‌هایی شامل علم کشاورزی را ارائه می‌دهند.

هنرستان‌ها دوره‌هایی مشابه بسیاری از دبیرستان‌های تخصصی ارائه می‌کنند و به‌علاوه برخی همپوشی‌هایی نیز وجود دارد. البته این مدارس به وزارت کار و اشتغال و یا به صنایع شخصی یا سرمایه‌های بخش کشاورزی متصل‌اند و عمدتاً برای آموزش افراد با مشاغل مشخص در تشکیلاتی مشخص وجود دارند. بسیاری از دانش‌آموزانی که علاقه خاصی به تجارت یا تخصص دارند، اما امکان ورود به دبیرستان‌های تخصصی را نمی‌یابند، در هنرستان‌ها ثبت‌نام کرده‌اند. همان‌طور که ناتوانی در تأمین خوراک کافی در مؤسسات پیش‌دبستانی وجود داشت در تهیه غذای گرم در دبیرستان‌ها هم دغدغه‌ای روبه افزایش است. در آغاز سال تحصیلی ۱۹۹۵-۱۹۹۴ تنها ۱۴۵۵ مدرسه (۴۳ درصد) تسهیلات سالن‌های غذاخوری داشتند و در ادامه سال با توجه به محدودیت فضا، از هر پنج دانش‌آموز یک نفر می‌توانست در کلاس حاضر شود. مدارس شهری در

مقایسه با مدارس روستایی، هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ گنجایش، تجهیزات بهتری دارند.

در سال تحصیلی ۱۹۹۵-۱۹۹۴ برای ۲۰۲ هزار دانش‌آموز (۱۵ درصد) غذای گرم تأمین می‌شد. مناطق دوشنبه و لنین آباد (خجند) بهتر تغذیه می‌شوند و به ترتیب برای ۳۰/۳ درصد و ۳۰/۴ درصد دانش‌آموزان غذا تأمین می‌گردد. در خاتلون^۱، تنها ۲/۵ درصد دانش‌آموزان در مدرسه تغذیه می‌شوند. در گورنو بداقستان^۲ به دلیل فقدان مواد غذایی، غذای گرم ارائه نمی‌شود. اگر تمام دانش‌آموزان نام‌نویسی شده در دبیرستان‌های تخصصی و هنرستان‌ها را در نظام کلی دبیرستان‌ها جمع بزنیم نرخ کل نام‌نویسی برای گروه سنی ۷ تا ۱۸ سال (دوره‌های آموزشی ابتدایی و دبیرستان) تنها ۶۸ درصد است. به زبان ساده‌تر ۳ نفر از هر ۱۰ کودک در تاجیکستان در حال حاضر هیچ‌گونه آموزش رسمی دریافت نمی‌کنند. نرخ نام‌نویسی برای دختران حتی بدتر و به میزان ۶۰ درصد است؛ به این معنا که در حال حاضر از هر پنج نفر دختر بین ۷ تا ۱۸ سال، ۲ نفر به مدرسه نمی‌رود.

آموزش عالی

تعداد دانشجویان مقطع آموزش عالی در حال کاهش است. دوره تحصیلی چهار سال است. تعداد نام‌نویسان در دوره‌های تحصیلی بالاتر به طور قابل توجهی ثابت است. در حال حاضر ۲۴ مؤسسه آموزش عالی در تاجیکستان به فعالیت مشغول است که در ۱۳۰ تخصص آموزش ارائه می‌کنند. البته طبق برآوردها، کشور تاجیکستان در خارج از جمهوری خصوصاً در رشته‌های راه‌آهن، هوانوردی و صنعت هنوز به دو هزار متخصص آموزش‌دیده نیاز دارد. در برخی تخصص‌ها مازاد نیرو و در برخی دیگر فقدان وجود دارد. رقابت بر سر تحصیل در موضوعاتی چون اقتصاد، مدیریت، تجارت، زبان‌های خارجی و بازرگانی با افزایش مراجعه‌کنندگان شدیدتر می‌شود. در این بخش‌ها رقابت تا پنج درخواست برای یک جایگاه وجود دارد.

منبع: یونسکو، «گزارش آموزش جهان ۲۰۰۰، ص ۱۶۳-۱۶۰»

آموزش عالی عمدتاً از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات تأمین می‌شوند که تحت نظارت وزارت آموزش قرار دارند. زبان آموزش، تاجیکی و روسی است. اعتبارنامه‌های تحصیلات

^۱ Khatlon

^۲ Gorno-Badakhstan

عالی عبارتند از: *o Srednem Obrazovanii Attestat*، دیپلم تخصصی سال سوم دانشکده، لیسانس، دانشنامه تخصصی، دانشوری، دکترا، کاندیدات نوک^۱ و دکتر نوک^۲. اعتبارنامه‌های مرحله اول دانشگاه، عبارتند از تخصص‌های سال سوم دانشکده، لیسانس و دانشنامه تخصصی. مدرک تخصصی سال سوم پس از ۲ سال تحصیل و مدرک لیسانس پس از ۴ سال اعطا می‌شود. دانشنامه تخصصی در یک رشته مشخص پس از ۵ سال تحصیل ارائه می‌گردد.

اعتبارنامه‌های مرحله دوم دانشگاه عبارتند از: دانشوری و کاندیدات نوک^۳ است. مدرک دانشوری بعد از دو سال تحصیل پس از مدرک لیسانس و درجه کاندیدات نوک پس از سه سال دیگر بعد از مدرک تخصص به اضافه دفاع از رساله اعطا می‌شود.

اعتبارنامه دانشگاه برای سطح سوم شامل دکترا و دکتر نوک^۴ است. Ph.D پس از یک دوره تحصیل سه ساله بعد از مدرک دانشوری و دکتر نوک بعد از یک دوره سه ساله دیگر پس از کاندیدات نوک به اضافه دفاع از رساله اعطا می‌شود.

برای پذیرش در سطح آموزش‌های دانشگاهی اعتبارنامه دوره متوسطه^۵ لازم است. همچنین برای دانشگاه‌های مشخص آزمون ورودی برگزار می‌شود. هزینه تحصیل دانشجویان دانشگاه برای بومی‌های تاجیکی از صفر تا ۸۰۰ هزار روبل تاجیک است. برای دانشجویان خارجی قیمت‌ها از ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار امریکا تغییر می‌کند.

از سال ۱۹۹۰ در میان تمام سطوح آموزش، تنها سطح دانشگاه و بالاتر از آن به طور واقعی توسعه یافته است. در سال ۱۹۹۴ دو برابر تعداد مؤسسات آموزش عالی (۲۲) نسبت به سال ۱۹۹۰ وجود داشت. تعداد دانشجویان تقریباً تا هفت درصد افزایش یافت. البته شرکت زنان از ۳۷ درصد کل ثبت نامها در سال ۱۹۹۰ تا تنها ۲۸ درصد در سال ۱۹۹۵ و به شدت کاهش یافته و کاهشی ۲۰ درصدی در تعداد واقعی دانشجویان دختر وجود داشته است.

^۱ Kandidat nauk
^۲ Doktor nauk
^۳ Kandidat Nauk
^۴ Doktor Nauk
^۵ Attestat o Srednem Obrazovanii

بررسی آماری اداره دولتی آمار از دانش‌آموزان شش مؤسسه با بالاترین تعداد ثبت‌نام در سال ۱۹۹۳ نشان داد که کودکان برخوردار از والدین دارای تحصیلات بالاتر برتری دارند. به طور کلی فرزندان طبقه روشن فکر ۵۰/۲ درصد، فرزندان کارگران ۳۲/۹ درصد و فرزندان کشاورزان تنها ۱۶/۹ درصد را تشکیل می‌دهند. بیشترین میزان نام‌نویسی فرزندان کشاورزان به دانشگاه‌های کشاورزی و فنی اختصاص دارد. فرزندان کارگران بیشتر در دانشگاه‌های پزشکی و فنی و فرزندان طبقه روشن فکر بیشتر در دانشگاه ملی تاجیک (پرقاب‌ترین و پراعتبارترین دانشگاه) و مؤسسه بازرگانی تاجیک ثبت نام کرده بودند. با وجود رشد در کمیت نام‌نویسی‌ها، مؤسسات آموزش عالی از همان مشکلات سایر مقاطع نظام آموزشی شامل سرمایه ناکافی، کمبود کتاب، مواد آموزشی، تجهیزات و حتی لوازم اداری اولیه، عزیمت اعضای هیئت علمی و مدیران و فقدان اصلاحات منطقی برنامه درسی به ستوه آمده‌اند.

دانشجویان، هر چند به صورت نامنظم، حقوق دریافت می‌کنند. در هر صورت، حقوق ۱۰۰ روبرلی برای یک ماه (تقریباً ۳۰ دلار آمریکا) در دسامبر ۱۹۹۵ تنها برای غذای یک یا دو روز کافی بود. بیشتر خوابگاه‌ها فاقد تجهیزات گرمایشی و همین‌طور آب گرم و گاز برای آشپزی‌اند و اغلب با تعمیرات اندکی پنج یا شش دانشجو در اتاقی جا داده می‌شوند که در اصل برای دو نفر است. برخی دانشگاه‌ها به اداره کلینیک‌های دانشجویی ادامه می‌دهند، اما داروها در مقادیر اندک و اغلب تاریخ‌گذشته هستند.

برخی مؤسسات، راه‌هایی برای گسترش پایه‌های حمایت مالی خود یافته‌اند و این امر در واقع یکی از اهداف سیاست آموزشی دولت فعلی است. در سال ۱۹۹۴ حدود ۱۵ درصد دانشجویان دانشگاه‌ها، قراردادی بودند و هزینه تحصیل آنها از سوی کارفرمایان تقبل می‌شد که به طور مؤثر کمک هزینه مالی تحصیلات سایر دانشجویان را تأمین می‌کرد. حداقل سه مؤسسه آموزش عالی شامل دانشگاه تکنولوژی تاجیکستان، دانشگاه خدمات شهری و دانشگاه بازرگانی از آغاز سال ۱۹۹۲ دانشگاه‌های «بازرگانی» هستند که برنامه‌های آموزشی خود را از طریق ترکیب دانشجویان قراردادی، شهریه‌های جزئی و بهای مطالبه شده از تشکیلات اقتصادی که متعاقباً فارغ‌التحصیلان آنها را استخدام می‌کنند، تأمین می‌کنند. دانشگاه تکنولوژی تاجیکستان یکی از اعضای مؤسسه بین‌المللی یونسکو شده است که تنها عضو در منطقه آسیای مرکزی است.

بعد از دوره لیسانس ۱۴ دوره تحصیلات تکمیل در ۶ دانشگاه و ۸ مؤسسه تحقیقاتی برقرار است که مطالعات پیشرفته‌تر در ۱۹ رشته اصلی و ۱۱۴ تخصص محدودتر ارائه می‌کنند. در سال ۱۹۹۴ در مجموع ۶۰۷ دانشجو در این برنامه‌ها ثبت‌نام کرده بودند.

در حال حاضر، مقطع آموزش عالی تنها ۱۴ درصد از جمعیت واجد شرایط سنی را در اختیار دارد و در میان زنان از هر ۱۲ نفر تنها یک نفر (۷/۷ درصد) از جمعیت ۱۸ تا ۲۲ سال در سطح دانشگاه ثبت نام کرده اند.

مدیریت، امور مالی و تحقیقات آموزشی

طی جنگ‌های داخلی کل خسارت‌ها در نظام آموزشی ۱۰۰ میلیون دلار آمریکا برآورد شد. در خلال سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ اعطاکنده‌ها و آژانس‌های مختلف سازمان ملل، مانند بانک جهانی، علاوه بر تأمین غذا و پوشاک مدارس شبانه‌روزی، سرمایه‌هایی را برای بازسازی مدارس سراسر کشور اعطا کرده‌اند. در سال ۱۹۹۹ اعلامیه بانک جهانی ۵ میلیون دلار آمریکا را برای بازسازی آموزش تاجیکستان تصویب کرد که دستیابی به آموزش با کیفیت بالا و افزودن دسترسی به آموزش در میان دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشید.

این پروژه که از سوی وزارت آموزش اجرا می‌شود و بر کلاس‌های ابتدایی متمرکز است، با هدایت روش‌های جدید آموزشی، نوسازی مدارس و گسترش کتاب‌ها، در یک رویکرد اشتراکی، اصلاحات و نوآوری‌هایی را در آموزش ابتدایی تاجیکستان آغاز خواهد کرد. همچنین این پروژه مدیران فرهنگی، منطقه‌ای و مدارس و نیز خانواده‌ها و دانش‌آموزان و در سطح بزرگ‌تر، جامعه را در بر می‌گیرد. هزینه کلی پروژه ۵/۵ میلیون دلار آمریکا است که نیم میلیون دلار آمریکا از دولت تاجیکستان خواهد بود. اعتبار طی یک دوره استاندارد حداکثر چهار ساله و شامل یک دوره بخشودگی ۱۰ ساله پرداخت می‌شود. از زمانی که تاجیکستان در سال ۱۹۹۳ به بانک جهانی پیوست مبلغی حدود ۱۴۷ میلیون دلار را برای ۸ پروژه تعهد داده است.

تسهیلات آموزشی در سراسر جمهوری سوسیالیست تاجیک به نسبت معیارهای جغرافیایی و آماری دایر شد تا تمام کودکان و حداقل کودکان پایه‌های پایین‌تر بتوانند در مدارس روستاهای خود و یا در مدارس حومه‌هایی حاضر شوند که امکان حضور در کلاس بدون طی راه‌های طولانی میسر باشد. این الگو به جز در جنوب و جنوب غرب که خرابی و انهدام مدارس در جنگ غیرنظامی شایع شد، هنوز هم باقی مانده است.

ساخت تسهیلات آموزشی جدید در سال ۱۹۹۵ به شدت محدود و تنها ۲۵۶۶ مکان جدید اضافه شد. از میان این فضاهاى آموزشى، ۵۶۰ واحد که به ابلست خاتلون^۱ و ۵۸۲ مکان که به مناطق تحت تبعیت جمهوری اضافه شدند بیشتر بازسازی تسهیلات نبود شده قبلى بودند. در میان باقیمانده ۱۱۸۴ فضای آموزشی به بخش نسبتاً موفق لنین آباد (خجند) و ۲۴۰ مکان به گورنو-باختری^۲ اضافه شدند. شایان ذکر است که بیشتر مدارس (۷۳ درصد) در کشور به دلیل فضای ناکافی برای جادادن تمام دانش‌آموزان منطقه زیر نظر اداره، در یک زمان، در دو نوبت اداره می‌شوند.

تلاش بر گسترش استانداردها هنوز هم در حال اجراست. با یادگیری تجربیات روسیه، استانداردهای آموزشی از لحاظ ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای در کشور تولید شده است. نیازها، اهداف، مشکلات و اصول کلی استانداردهای آموزشی در آموزش از سوی دولت تعیین شده است و محتوای آموزش که استانداردهای آموزشی تحت برنامه‌های پایه آموزشی است از سوی وزارت آموزش تعیین می‌شود.

پایه‌های حقوقی و تأمین بودجه نظام آموزشی منحصراً توسط مجلسی اولی^۳ (پارلمان) کشور انجام می‌شود. دولت، مسئول اجرای حکم و دستورهای رئیس جمهور و رفع و رجوع قوانین و تصمیمات مجلسی اولی است. این بخش، سیاست دولتی در بخش آموزش را اجرا و برنامه‌های گروهی در گسترش آموزش شامل برنامه‌های بین استانی و بین‌المللی را ملاحظه و تصویب می‌کند، تصمیمات مالی می‌گیرد و مشخصه‌های دولتی و دستورهای مالی نظام آموزشی را بنا می‌نهد. وزارت آموزش برای انجام سیاست‌های دولت فعالیت می‌کند. قدرت‌های محلی (حکومت^۴ مناطق، شهرک‌ها و بخش‌ها) سیاست‌های دولتی در بخش آموزش را اجرا می‌کنند و برنامه‌های محلی (منطقه‌ای) در مورد توسعه‌های آموزشی از دیدگاه ملی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آماری و دیگر ویژگی‌های تمایز دهنده را تحقق بخشیده، گسترش می‌دهند. در ایجاد سیاست‌های دولتی در بخش آموزش، مشارکت فعال تشکیلات آموزشی شهری و روستایی^۵ و سازمان‌های عمومی غیردولتی پذیرفته شده است.

بودجه آموزش از ۹/۵ درصد بودجه مرحله‌ای در سال ۱۹۹۰ به تنها ۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۸ سقوط کرد. در دوره سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ یک نظام جدید بودجه‌دهی اصولی به موسسه‌های آموزشی به محاسبه هزینه‌ها بر اساس هر دانش‌آموز اقدام کرد که

^۱ Khatlon Oblast

^۲ Gorno-Badakhshan

^۳ Madjlisi Oli

^۴ Khukumat

^۵ jamoats

بر خلاف گذشته بود که محاسبه بر اساس هر کلاس انجام می‌شد. بودجه‌دهی اصولی بر اساس تعداد دانش‌آموزان یا کودکان هر گروه سنی معین انجام می‌شود. این امر با شفاف‌سازی استفاده از منابع غیر از بودجه، همچون پرداخت‌های والدین باعث توسعه در مدارس می‌گردد که هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند. ربا هدف آغاز مکانیسم‌های ایجاد اعتبار در اهداف آموزشی، جهت حفظ مواد و منابع فضای آموزشی شرایطی تخفیف‌دار مورد نیاز است. تمام اقدامات این دوره می‌بایست به‌سوی دستیابی به ثبات مالی در بخش آموزش هدایت شوند. همیشه در تاجیکستان کمیته‌های میان‌گروهی یا انجمن‌هایی در دولت مرکزی و حکومت‌های محلی برای جوانان، کودکان و زنان تشکیل می‌شده که در آن، مشکلات آموزشی این افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته در موقعیت معاصر ایجاد کمیته‌های میان‌گروهی مشخص درون دولت و یک انجمن مشورتی زیر نظر رئیس جمهور برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی معین، شوراهای تخصصی در زمینه‌های آموزش، دانشمندان، معلمان باتجربه و دیگر نمایندگان عموم لازم است. قالب و سبک این هیئت‌ها باید مدرن بوده برخلاف گذشته متناسب با نیازهای جامعه باز شهری و دموکراتیک باشد.

بر اساس دستورالعمل شماره ۰-۶ «در مورد شرح اقدامات وزارت آموزش بر تحقق قوانین جمهوری تاجیکستان برای آموزش» که در ۲۴ مارس ۱۹۹۴ امضا شد، قوانین مؤسسات پیش‌دبستانی، مدارس فراگیر، دبیرستان‌های تخصصی، مراکز غیرمدرسه‌ای پرستاری از کودکان، انواع انجمن‌های دانش‌آموزی و مؤسسات آموزش عالی تصویب شد. به همین ترتیب مفهوم آموزش پیش‌دبستانی، مفهوم آموزش در مدارس، معیار استانداردهای دولتی در آموزش و مکانیسم‌های ایجاد آنها تعیین شده‌اند.

مفهوم «مدارس ملی» بزرگ‌ترین سند در بخش آموزش است، چراکه اهداف، وظایف و چشم‌اندازهای آموزش را تعیین می‌کند. با احتساب اهمیت این سند، وزارت آموزش در سوم ژانویه ۱۹۹۵ دستور «شرح معیارهای وزارت آموزش جمهوری تاجیکستان در تحقق مفهوم مدارس ملی» را صادر کرد. لوایح و تمهیدات توسعه‌یافته، مسائل سازمان‌دهی شامل: حفظ کنترل، تدارک و افزایش سطح کیفی پرسنل آموزش و

پرورش، گسترش مسائل شهری، تعریف محتوای آموزش، مطالعه برنامه‌های آموزشی موجود، کتاب‌ها و به روز رسانی آنها و تحقق فعالیت‌های تجربی را پوشش می‌دهند. وزارت آموزش و پرورش بر برنامه‌های درسی و کتاب‌ها نظارت می‌کند. وزارت آموزش در ۲۹ می ۱۹۹۳ حکم شماره ۴ «در مورد بهبود توسعه و انتظام برنامه، کتاب‌های درسی و ادبیات روش‌شناسی آموزشی برای دبیرستان‌های فراگیر جمهوری قزاقستان» را صادر کرد. حکم مذکور لوایح و تمهیداتی جهت تنظیم و بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی، کتاب‌ها و ادبیات روش‌شناسی آموزشی در مدارس فراگیر صادر نمود. با احتساب کمبود شدید متخصصان در بخش آموزش، دولت حکم مصوب شماره ۴۰۹ «در مورد برخی معیارهای بهبود استفاده از متخصصان جوان پس از فارغ‌التحصیلی از مؤسسات آموزش عالی و دبیرستان‌های تخصصی» را در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۵ ارائه داد. بنابراین، دولت فارغ‌التحصیلانی که دوره دبیرستان را با مخارج بودجه دولتی تمام کرده بودند و ادار می‌کرد که حداقل به مدت سه سال کاری متناسب با وظیفه و جهت‌گیری وزارتخانه‌ها و هیأت دولت انجام دهند. این سند به مبنای قانونی برای وزارت آموزش به منظور تأمین کار برای فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی آموزش عالی و دبیرستان‌های تخصصی وابسته به آموزش و پرورش بدل شد.

بند سوم ماده ۱۲ قانون «در مورد آموزش» به کلیه کودکان حق دستیابی به ۹ سال آموزش مقدماتی را ارائه می‌دهد. وزارت آموزش احکام شماره ۴۷۶ (۲۱ اگوست ۱۹۹۷)، شماره ۶۰۸ (۲۷ اکتبر ۱۹۹۷) و شماره ۶۵۴ (۲۵ نوامبر ۱۹۹۷) را صادر کرده است. این احکام شرایط برآورد ساخته، تعداد کودکان در سنین مدرسه را تعیین می‌کنند و با تاکید ویژه بر ادامه تحصیل دختران و جبران عقب‌ماندگی کودکان آوارهای که اینک به کشور باز می‌گردند، آنها را در آموزش مشارکت می‌دهند.

آموزش غیررسمی

تمام آموزش‌ها در مدرسه واقع نمی‌شوند. بخش میراث فرهنگی تاجیکستان دچار فقدان زیرساخت‌هاست. میان سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ هیچ انجمنی با سرمایه‌های عمومی ساخته نشد و تعداد کتاب‌ها در موجودی کتابخانه‌های روستایی تا ۱۰۰۰ جلد سقوط کرد. کتابخانه‌های شهری عمدتاً توسط انجمن‌های بین‌المللی حمایت می‌شوند و عمدتاً دانش‌آموزان مدارس از کتابخانه‌ها بازدید می‌کنند. کارمندان فرهنگی، حقوق کمی برابر با میانگین حقوق ماهیانه (حدود ۳/۰۰ دلار آمریکا) دریافت می‌کنند. متخصصان آموزش معتقدند که برنامه‌های جدیدی همچون آموزش از راه دور می‌تواند

یکی از پاسخها به مشکلات آموزشی کشوری مانند تاجیکستان باشد. به بیان دکتر کارپنکو میخایل^۱، رئیس دانشگاه مدرن مسکو-بنیاد در علوم انسانی (MUH)، آموزش از راه دور بر اساس تکنولوژی اطلاعات بنا شده که فرصت «رسیدن به دست‌نیافته‌ای» را ارائه می‌کنند. MUH ده‌ها هزار دانشجوی از راه دور در سراسر روسیه و جمهوری‌های شوروی پیشین دارد. این دانشگاه که در کشور چین نیز پروژه‌هایی در دست اقدام دارد، با تشخیص پتانسیل‌های بالای آموزش از راه دور در روستای کوهستانی خجنت^۲ تاجیکستان طرحی خروجی برای آموزش از راه دور برای آن ایجاد نموده است.

حرفه تدریس

گرفتاری معلمان تاجیکی در شرایطی که اوضاع کاری آنها رو به وخامت نهاده و تسهیلات اندکی برای شرایط تأسّف‌بار آموزش ایجاد شده است، دغدغه‌ای بزرگ است. به طور مثال، حقوق ماهیانه آنها از ۱۲/۸ دلار آمریکا در ماه در سال ۱۹۹۴ به ۶/۸۹ دلار آمریکا در سال ۱۹۹۸ رسیده است.

اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها نیز همانند دیگر معلمان، حقوق ماهیانه کمی دریافت می‌کنند که گاهی تنها به صورت اعتبار یا کالا پرداخت می‌شود. اعضای مهم نیز یا به شمار مهاجران به روسیه یا سایر کشورها در میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) می‌پیوندند و یا از تدریس رو برمی‌گردانند و به جوامع بین‌المللی، انجمن‌های غیردولتی یا تشکیلات خصوصی ملحق می‌شوند. این موضوع به ویژه تأثیر شدیدی بر دانشگاه‌های منطقه‌ای داشته است؛ از جمله بر دانشگاه‌هایی که از زمان استقلال در خورگ^۳، کلیاب^۴، کورگان تیوب^۵ و تورسون زاد^۶ دایر شدند.

تا اوایل دهه ۲۰۰۰ تعداد معلمان نوسانی تقریباً مساوی با تعداد دانش‌آموزان نشان می‌داد و نرخ استاد-دانشجو در واقع در بالاترین سطح نسبت به اواخر دهه ۱۹۸۰ (حدود ۱ به ۱۳ نسبت به ۱ به ۱۴/۵ پیشین) بود. البته وقتی سال تحصیلی ۱۹۹۵ آغاز

^۱ Mikhail Karpenko

^۲ Khudjant

^۳ Khorog

^۴ Kulyab

^۵ Kurgan-Tyube

^۶ Tursun-Zade

شد تقریباً ۱۲ هزار معلم یا یک نفر از هر ۸ نفر که گروه تدریس در سال ۱۹۹۴ را بوجود آوردند، به سرکار بازنگشتند. تنها در خاتلون ابلست چهارهزار جایگاه خالی تدریس وجود دارد.

به منظور جبران تعداد ناکافی مدرس، از دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر خواسته می‌شود که سطوح پایین‌تر را آموزش دهند و فارغ‌التحصیلان و دانشجویان در حال تحصیل در دانشکده، سطوح بالاتر و دوره‌های تخصصی را آموزش می‌دهند. از تعدادی از دانشجویان دانشکده‌ها و دانشگاه‌های آموزش نیز خواسته می‌شود که مطالعاتشان را برای تدریس در مدارس روستایی معوق بگذارند که در غیر این صورت، مجبور به ترک آموزش می‌شوند. هیئت‌های تدریس عمدتاً زن بوده‌اند و این امر وضع را بدتر می‌کند، چراکه معلمان مرد معمولاً اولین کسانی‌اند که تدریس را ترک می‌کنند.

فرهنگ تاجیک به‌طور سنتی اهمیت فراوانی برای تحصیلات قایل است و در گذشته مشهور به محلی برای آموزش بوده است که در آن، اعضای تحصیلکرده از اعتبار بالایی برخوردار بودند. تصمیمات معلمان به ندرت مورد سوال قرار می‌گرفت. دوره شوروی این تأکید را تقویت کرد و این تجربه را به کل جامعه با آموزش عمومی گسترش داد.

میانگین حقوق ماهیانه معلمان از سوی قانون تحت عنوان «بالاتر از حقوق ماهیانه کارگران صنعتی» تصویب شده است. در نوامبر سال ۱۹۹۵ میانگین حقوق ماهیانه کارکنان صنعت ۲/۳۷۱ روبل تاجیک (۱۴/۰۰ دلار آمریکا) و میانگین حقوق ماهیانه همه کارگران ۱/۰۳۲ روبل تاجیک (۶/۲۵ دلار آمریکا) و میانگین حقوق ماهیانه معلمان ۶۰۱ روبل تاجیک (۳/۶۵ دلار آمریکا) بود. بنا بر قانون، معلمان علاوه بر حقوق ماهیانه باید خدمات بهداشتی، اجاره، برق و گرمای رایگان دریافت کنند. همچنین معلمان با بیشتر از ۱۰ سال تجربه می‌توانند آپارتمان‌ها و خانه‌هایشان را به صورت رایگان خصوصی کنند. با این وجود، همچون تمام صورت‌های دیگر استخدام، دوره‌های زمانی طولانی خصوصاً در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، وجود داشته که معلمان یا هیچ بخشی از حقوقشان را نمی‌گرفتند و یا بخشی از آن را نقدی یا به صورت کالا دریافت می‌نمودند.

همچنین وزارت آموزش توجه‌اش را بر مسأله حفظ مدارس همراه با کارکنان آموزش و پرورش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای آنها متمرکز ساخته است. بنابراین، با هدف ترکیبی از کیفیت کار کارمندان آموزش و پرورش، برآورد کیفیت حرفه‌ای، مالی و شخصی معلمان، نتیجه نهایی این امر، آموزش و تربیت دانش‌آموزان است. قانونی در مورد حکم تحقق گواهی‌نامه کارمندان آموزش و پرورش و پرسنل و آموزش مجدد کارکنان ایجاد شد که در چهارم ژوئن ۱۹۹۷ با اصلاحیه دولتی شماره ۲۶۴ پذیرفته

شد. بر اساس این قانون، عملکرد کمیته گواهی و تصدیق و ترتیب فعالیت آن و شرایط احراز گواهینامه تعیین شده‌اند.

دولت، همواره مسائل مرتبط با افزایش دستمزد و رفاه اجتماعی کارمندان آموزش را بررسی می‌کند. در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۷ دولت اصلاحیه شماره ۵۵۰ «در مورد پرداخت و دستمزد اضافه به نرخ تعرفه کاری و حقوق کارمندان نظام آموزشی کشور» را پذیرفت که موقعیت اجتماعی بالاتری را برای معلمان بوجود آورد.

چکیده

تاجیکستان تا سال ۱۹۹۱ بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. در دوران شوروی سرمایه‌گذاری در ساختار اجتماعی به تاجیکستان اجازه داد که به بالاترین سطح پیشرفت در نظام آموزشی دست یابد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، باسوادی در میان جمعیت بزرگسال (۹۹ درصد بر اساس سرشماری سال ۱۹۸۹) بود و در نیروی کار تحصیلکرده ۷۷ درصد افراد تحصیلات دبیرستان و بالاتر داشتند. مؤسسات آموزشی در تمام سطوح برای بیشتر جمعیت در دسترس بودند.

تاجیکستان به دنبال کسب استقلال در سال ۱۹۹۱ با یک سری از بحران‌ها مواجه شد. جدانشدن از جمهوری شوروی فروپاشی سریع اقتصادی را به همراه آورد. شامل نبودن حوزه روبل باعث بحران مالی شد و زمانی که روسیه پرداخت‌های کالاهای پنبه را به دلیل بدهی تاجیکستان به تعویق انداخت، این وضعیت تشدید گردید. یک جنگ داخلی در ۱۹۹۳-۱۹۹۱ منجر به نابودی افراد و مالکیت شد، نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر را بی‌خانمان کرد و آموزش کودکان را با وقفه مواجه ساخت.

در سال ۲۰۰۰ تاجیکستان جزء ۲۰ ملت فقیر جهان رتبه‌بندی شد. با متوسط درآمد سالیانه ۱۳۰ دلار آمریکا، حدود ۸۵ درصد مردم تاجیک زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

آموزش در تاجیکستان به علت بدهی، عمدتاً به دولت، رو به وخامت نهاده است. مدارس از لحاظ فیزیکی فرسوده شده، قادر به تأمین تجهیزات و اثاثیه با کیفیت برای دانش‌آموزان نیستند. کمبود معلم به صورت بحرانی خودنمایی می‌کند. در برنامه درسی، اصلاحات وجود ندارد و دانش‌آموزان اغلب با گزینش میان مدرسه و کار برای حمایت از

خانواده خود مواجه هستند. امید است کمک‌های اخیر بین‌المللی به کشور اجازه دهد تا مدارس و برنامه‌ی درسی را بازسازی کند و همراه با مشارکت خانواده‌ها، دانش‌آموزان و انجمن‌ها معلمان بیشتری را استخدام نماید.

به منظور توانمندسازی افراد به شرکت فعال در فرایندهای اقتصادی و سیاسی برای پیشرفت، کیفیت آموزشی، بسیار حیاتی است. همچنین برای اهداف توسعه اقتصادی نیز ضروری است. آموزش یکی از مولفه‌های استاندارد بالای زندگی است و برای آینده تاجیکستان حیاتی است.

پیش شماره اول ، زمستان ۱۳۸۷

پروژه‌های منطقه

۶۶۱